

آینده امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی و تحقق تمدن نوین ایرانی اسلامی

توحید محرمی^۱

عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات

چکیده

امنیت بستر ظهور و ناامنی آغاز افول تمدن‌هاست، و رمز ماندگاری و توسعه و گسترش تمدن‌ها در حفظ و ارتقای امنیت فرهنگی آنهاست. با مطالعه تاریخ تمدن بشری می‌توان دریافت که کارایی، قدرت نفوذ و اشاعه عناصر فرهنگی به جوامع دیگر از جمله ویژگی‌های مهم امنیت مقتدرانه بوده است که تمدن‌های بزرگی را رقم زده است. در دنیای امروز هم نظام‌های تحول‌گرا برای بقا و مانایی در میدان رقابت بین‌المللی نیازمند ترسیم افقی روشن برای آینده هستند. افقی که امنیت فرهنگی و به معنای دقیق‌تر؛ هویت جامعه در حال خیزش تمدنی را حفظ و ارتقا ببخشد، و تمدن نوین و مطلوب تحقق پیدا کند. لذا این مقاله تلاش می‌کند با تبیین چستی امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی به؛ شناسایی چالش‌هایی که چه بسا قابلیت تبدیل شدن به فرصت و یا تهدید ناشی از تحولات فرهنگی را دارند بپردازیم؛ و از آنجا که مطالعه و بررسی چالش‌های هویت پایه امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهانه صورت می‌گیرد، فرضیه مقاله این خواهد بود که؛ برخی از چالش‌های موجود قابلیت تبدیل شدن به تهدید را در آینده دارند و برخی دیگر در همان سطح بالقوه باقی خواهند ماند. نوع تحقیق کاربردی- توسعه‌ای بوده و روش آن اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی، آینده، امنیت فرهنگی، تمدن نوین ایرانی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲

(نویسنده مسئول: Tohidmoharrami@yahoo.com).

مقدمه

مردم ایران با انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) مسیر جدیدی را برای جامعه خود برگزیدند. انقلابی متفاوت های و خارج از الگوهای متداول و رایج در انقلابهای جهان که نظریات مربوط به انقلابها را در علوم سیاسی و اجتماعی به چالش کشید (صفرپناهی، ۱۳۸۵، ص ۲۱). این انقلاب غیرمنتظره که در یکی از با ثبات ترین کشورهای هم پیمان غرب اتفاق افتاده بود، بسیاری از جوامع به ویژه کشورهای اسلامی را نیز تحت تأثیر مستقیم و یا غیرمستقیم خود قرار داد. و تهدیدی جدی برای منافع قدرت های جهانی محسوب شد. درحالیکه کمونیسم در شرق و لیبرالیسم در غرب به ترویج ایده های خود مشغول بودند و مروجان این مکاتب، جهان را به سمت سکولار شدن و به حاشیه رفتن دین می دیدند. جهانیان با وقوع انقلاب اسلامی در ایران شاهد عکس این روند شدند، و دین دوباره در معادلات سیاسی اجتماعی عصر حاضر و آنچه به انسان و جامعه مربوط می شد، مطرح گردید. و برای مفاهیمی چون؛ ایمان و امنیت، آزادی و امنیت، عدالت و امنیت، مصلحت و امنیت، حق و امنیت، قدرت و امنیت، جهاد و امنیت، صلح و امنیت، و... دیدگاه های تازه ای در اجتماع انسانی و آینده جامعه بشری، ارائه شد.

با انقلاب اسلامی عملاً پروژه استعماری به انحطاط کشاندن مسلمانان که با فروپاشی امپراطوری عثمانی (۱۹۲۲) شروع شده بود متوقف گردید. و در مقابل تمدن مدرن غربی که مبتنی بر عقل ابزاری و تکنولوژی یا فناوری و همواره تهی از معنویت بوده است، مجالی برای تولید و پیدایش دوباره تمدن نوین اسلامی پدید آمد. اما صرف بیان نظریات جدید برای استمرار انقلاب اسلامی و گسترش و اشاعه آرمانهای آن کافی نبوده و برای ادامه مسیر نهادینه ساختن نظریات و دیدگاههای تازه، حفظ دستاوردها و ارتقای نظام نوپای جمهوری اسلامی که داعیه دار نظریات بدیع برای زندگی بشر امروزی میباشد نیازمند ترسیم افق های روشن و چشم اندازی تمدن ساز است. منظومه ای مشخص و دقیق از امور سلبی و اقدامات ایجابی فرهنگی، که توان مقاومت در مقابل میرایی و رویش و نوزایی اندیشه، هنر، علم و تکنولوژی های جدید را داشته باشد. و چه بسا برای ظهور تمدنی

نوین، نسخه‌ها و الگوهای تازه تری از جمهوری اسلامی و انقلاب‌های اسلامی در جوامع دیگر نیز ضرورت پیدا کند. لذا در اهمیت و ضرورت بحث درباره ابعاد چگونگی تحقق تمدن نوین اسلامی ایرانی بویژه موضوع این مقاله می‌توان اجمالا گفت که؛

۱. پیشرفت و توسعه همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران، نیازمند شناخت مناسب از تحولات فرهنگی است که بتواند ضمن کاستن از جنبه‌های سلبی و تهدیدات، شرایط لازم برای بهره‌برداری بهینه و هدفمند از ظرفیتهای فرهنگی کشور را برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم سازد. ۲. ترویج فرهنگ صلح و یافتن فهم مشترک از تمدن نوین اسلامی، درک درست از تحولات بین‌فرهنگی و مناسبات میان ملت‌ها بویژه همسایگان را طلب می‌کند. ۳. گسترش روزافزون بیداری اسلامی در جهان حاضر به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، فرصت‌سازی و تأثیر بیش از پیش مزیت نسبی انقلاب اسلامی و فرهنگ تشیع و تهدید زدایی از آن را ضروری می‌کند. ۴. با توجه به جهان شمولی اندیشه حکومت اسلامی و مردمی بودن جمهوری اسلامی، تقویت هنجارسازی، و جهت‌دهی جوامع منطقه در حوزه‌های داخلی و بین‌المللی، پشتوانه و قوام بخش رویکرد جهانی‌شدن اندیشه دینی و نظریه تمدن ساز یادشده است. ۵. کمبود پژوهش‌های راهبردی، جامع، بومی درباره تمدن نوین ایرانی اسلامی و نداشتن درک مناسب از نقش امنیت فرهنگی برای تحقق آن، سختی با ویژگی‌های ایجابی و دوراندیشانه ندارد. ۶. با توجه به شرایط پیچیده و توسعه ابزارهای نوین رسانه‌ای، شناخت نداشتن به ابعاد امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی برای تحقق تمدن نوین اسلامی ایرانی، موجب شده است که اشاعه روزافزون عناصر فرهنگ بیگانه در جامعه در اکثر مواقع بدون در نظر داشتن ملاحظات امنیت فرهنگی لازم صورت می‌گیرد. این در حالیست که گفتمان حاکم امنیتی در کشورهای اسلامی بویژه جمهوری اسلامی ایران همچنان در قالب‌های رسمی و کلاسیک به تهدیدات و اهداف امنیتی سنتی پاسخ می‌گوید. و این رویکرد با تغییرات وسیع در محیط و فضای قلمرو ملی و جهانی، و مقولات جدید فرهنگی - اجتماعی که در قالب‌های نوین وارد حوزه امنیتی کشورها شده‌اند، فرسنگها فاصله دارد. ۷. همچنین فقر منابع نظری، تجربی، اندیشه‌ای و سیاستی آینده پژوهانه پیرامون امنیت فرهنگی از حیث نظارت و هدایت آن برای تحقق تمدن نوین اسلامی ایرانی، انجام بررسی حاضر را بیش از پیش و به صورتی مضاعف اجتناب‌ناپذیر و ضروری می‌کند و

می‌طلبید که شناخت مناسبی از چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات فرهنگی آینده جمهوری اسلامی برای تحقق تمدن ایرانی اسلامی ارائه شود.

بنابراین باتوجه به موارد مذکور در اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع بحث، مقاله-ی حاضر سعی دارد تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی، نحوه‌ی مواجهه‌ی آینده پژوهانه با امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی را بعنوان بستری برای تحقق تمدن نوین ایرانی اسلامی بررسی و مطالعه نماید. از این رو ابتدا به واکاوی مفهوم امنیت و شناسایی امنیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم و سپس برخی چالش‌های آن را با عنایت به عناصر سه گانه دولت در نظریات امنیتی یعنی؛ حاکمیت، سرزمین، جمعیت با رویکرد آینده پژوهی در مواجهه با تحقق تمدن نوین ایرانی اسلامی مورد مذاقه قرار می‌دهیم. نهایتاً با هدف پاسخ به این سوال؛ امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی چیست؟ و چالش‌های هویت پایه امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی با رویکرد آینده پژوهانه کدامند؟ فرضیه مقاله این خواهد بود که؛ برخی از چالش‌های موجود قابلیت تبدیل شدن به تهدید را در آینده دارند و برخی دیگر در همان سطح بالقوه باقی خواهند ماند. و نقش آن در تحقق تمدن نوین اسلامی ایرانی مورد بحث قرار گرفته و توصیف و تحلیل شده است. بدیهی است انجام این مقاله دستمایه بنیادینی برای انجام تحقیقات بعدی خواهد شد.

چارچوب نظری

رویکرد ما به آینده به چه معناست؟

«گذشته» از اختیار انسان خارج شده است و «هم اکنون» بسترساز آینده ایی است که همچنان در ید اختیار ماست. هرچند سخن گفتن از آینده ایی که انبوهی از عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی‌های بسیار دارد همواره سخت است. و شناخت رویدادهای مربوط به آن را مشکل و مساله پیش بینی کامل و دقیق آنچه درآینده بوقوع خواهد پیوست را غیرممکن می‌سازد. در واقع تنها امر قطعی در پیش بینی آینده، عدم قطعیت می‌باشد. اما علی‌رغم اینکه آینده مملو از عدم قطعیت‌ها است ولی در دنیای حاضر مجبور به پیش بینی آینده هستیم. که با پیشرفت علوم بشری دست انسان امروزی خیلی هم دستش خالی نیست و روش‌هایی را با کمک علوم فنی مهندسی همچون هواشناسی، در علوم انسانی اجتماعی با

بهره گیری از علوم آماری برای پیش بینی آینده ابداع کرده است. و توانسته است تا حدی پیچیدگی ناشی از روند افزایشی تغییرات را بطور خلاقانه بررسی و شناسایی نماید. بنابراین رویکرد آینده پژوهانه ما مبتنی بر خلاقیت و فکر کردن در سطح راهبردی است که در مباحث استراتژیک از آن به تفکر استراتژیک یاد می کنند و نتیجه آن در آینده پژوهی به سناریونگاری ختم می شود. در واقع عدم توانایی در مواجهه با مجهولات و عدم قطعیت ها در پیش بینی آینده باعث شده است که متخصصان آینده پژوهی به ساختن آینده های بدیل با عنوان «سناریوسازی» روی آورند. سناریوها تصویری از رویدادهای آینده است که بطور روش مند ارائه می گردد. "هرمان کان"^۱ از صاحب نظران آینده پژوهی، سناریو را «مجموعه ای از رویدادهای فرضی در آینده برای شفاف سازی زنجیره ای از وقایع علی ممکن الوقوع و همچنین تصمیمات مربوط به آنها» تعریف می کند (Amer et al., ۲۰۱۳). به عبارتی دیگر سناریو توصیفی منسجم از آینده های فرضی بدیل است که دورنماهای مختلفی از گذشته، حال و آینده را بازتاب کرده و می تواند همچون مبنایی برای اقدام مورد استفاده قرار گیرد. (Haasnoot & Middelkoop, ۲۰۱۲). البته برآورد و پیش بینی هر نوع از وضعیت (امنیتی) و دورنمایی، یک اقدام پژوهشی و کارشناسی است که می بایست توسط نخبگان و کارشناسان مورد تایید؛ نظام سیاسی، گروه ها و احاد جامعه صورت پذیرد و این به معنای اعتقاد به دواصل «وجود واقعیت های مستقل» و «تاثیر برکشف واقعیت ها» می باشد. لذا لحاظ نمودن این دو شرط مذکور، آفات ناشی از این دواصل را به حداقل می رساند و برآورد و پیش بینی دقیق تری را ارائه خواهد داد (عبداله خانی، ۱۳۸۳، ص ۳۹).

فرهنگ و امنیت

براساس مطالعات انجام شده، به مجموعه ایی از عادت ها، باورها، اعتقادات، اخلاقیات و ارزش هایی که به عنوان یک عامل مشترک در میان مردم یک کشور جایگاه ویژه ای دارند فرهنگ می گویند. (تراسبی، ۱۳۸۹، ص ۲۲) و یکی از کلیدی ترین مفاهیمی که با فرهنگ رابطه تنگاتنگی دارد مفهوم «هویت» است. این مفهوم که به وجود جمعی ما مربوط است به سیستم های پنداری (اندیشه ای)، احساسات و عادات که مبین گروه یا گروه هایی هستند که

۱. Herman Kahn

ما بدان‌ها وابسته هستیم و نه نشانگر شخصیت ما. اینها عبارتند از: باورهای دینی، اعتقادات و اعمال اخلاقی، سنت ملی یا حرفه‌ای و انواع عقاید و آراء جمعی.» (شیخاوندی، ص ۲۰-۱۰) یونسکو هم تعریف نسبتاً مناسبی از هویت و خاصه هویت فرهنگی ارائه کرده که می‌تواند به بحث ما در زمینه هویت، غنا بخشد؛ هویت هسته مرکزی شخصیت فردی و جمعی انسان است و می‌تواند به اعمال و تصمیمات فردی و جمعی شکل داده و روندی را به وجود آورد که یک جامعه را در عین حفظ مشخصات خودش، قادر به توسعه بسازد. (مصفا، ص ۲۱۴-۲۱۳) در واقع هویت، شناختن و شناساندن است و این دو وجه دارد: یکی شناخت خود در ارتباط با چیزی و دیگری شناساندن خود براساس آن چیز به دیگران. انسان خود را براساس رابطه‌ای که با یک پدیده دارد شناسایی و به دیگران معرفی می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۷-۱۶۶). امروزه با توسعه ارتباطات و حمل‌ونقل سریع «مولفه‌های فرهنگی و هویتی» از اهمیت زیادی برخوردار شده‌اند و قدرتها برای حفظ موقعیت و گسترش نفوذ خود بر دیگر جوامع، برای عوامل فرهنگی و هویتی نقش تعیین‌کننده‌ایی قائل هستند.

امنیت هم حالتی است که با آن، هر کس فارغ از بیم تهدید به جان، مال و شرف و آبروی خود و یا از دست دادن آنها زندگی کند. از یک سو به اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی که موجب آرامش و اطمینان امنیت می‌گویند (کامکار، امید زنجانی، ۱۳۸۶) با جامع‌نگری، امنیت را در دو گفتمان سلبی و ایجابی هم می‌توان تبیین کرد؛ در گفتمان نخست امنیت بر مفهوم «قدرت» و در گفتمان دوم بر مفهوم «رضایت» استوار است. (افتخاری، ۱۳۸۵، ص ۲۷) همچنین این مفهوم دو بعد ذهنی؛ یعنی احساسی که در فکر و روح افراد درک می‌شود و آن چیزی است که ابعاد فیزیکی داشته و آسیب نرسیدن و مصونین از تهدیدات جسمی و فیزیکی یعنی امنیت عینی را شامل می‌شود که البته هر دو اینها مهم هستند و نمی‌توان به صرف تهیه امکانات سخت افزاری، دفع تهدیدات کرد بلکه باید از درون نیز این امنیت احساس شود. (افتخاری، ۱۳۸۵، ص ۲۹)

امنیت فرهنگی

ارتباط امنیت با فرهنگ؛ به ظرفیت یک جامعه برای حفاظت از ویژگیهای خاص خود در مقابل

تغییر شرایط و تهدیدات مادی و معنوی مربوط است. و شامل بقای الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوستگی، هویت و آداب و رسوم دینی یا ملی با اجازه دادن به تغییرات قابل قبول است. (Forrest, ۲۰۰۴: S) این بعد از امنیت صرفاً از طریق نبودن تهدید محقق نمیشود و چون امنیت فرهنگی مفهومی ایجابی است از دیگر حوزه‌های مطالعات امنیتی که بر مفاهیم سلبی استوارند متمایز میشود. و از طریق مراقبتهای فعال یک فرهنگ و ارتقاء شرایط لازم برای رشد و توسعه سازگاریهای آن حاصل میشود (همان، ۳) تحقق امنیت فرهنگی نیازمند توجه ویژه به بسترها و چارچوب‌های تقویت یکپارچگی فرهنگی در جامعه می‌باشد. کارویژه اصلی امنیت فرهنگی، حفاظت و حراست از عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی (ارزش‌ها، هویت، تاریخ و...) در برابر تهدیدها و تهاجم فرهنگی است. ارزش‌ها و عناصر فرهنگی که سرمایه‌های راهبردی و عامل تداوم بخش حیات فرهنگی است، همواره در معرض تهدید و تهاجم همه جانبه بوده و در این رابطه از طیف گسترده‌ای از ابزارهای مادی و غیرمادی جهت تضعیف هویت و ناامنی فرهنگی و دینی ملت‌ها استفاده شده است. مطابق نگرش جدید، «امنیت ملی» به همان اندازه که مقوله‌ای فیزیکی است یک مقوله روانی نیز محسوب می‌شود. و به عبارتی امنیت ملی هم مسأله‌ای عینی و هم ذهنی است. در بعد عینی آنگونه که و لفرز معتقد است امنیت ملی « نبود تهدید برای ارزشهای کسب شده » و در بعد ذهنی عبارت است از فقدان هراس از حمله به ارزشهای مزبور این نگرش ذهنی و عینی است. (ماندل، ۱۳۷۹، ص ۵۱)

امنیت فرهنگی به لحاظ نقش و تعیین‌کنندگی در شکل بخشی به هویت اجتماعی و یکپارچگی فرهنگی و ملی همواره از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است. اگر به عناصر تشکیل دهنده فرهنگ (باورها و ارزش‌ها، زبان، علم و...) به ویژه فرهنگ پویا و پیشرو که نقش مؤثری در اعتلا و برجسته‌سازی هویت فرهنگی برعهده دارد توجه کنیم، به این نکته کلیدی پی می‌بریم که تحقق امنیت فرهنگی مستلزم نظارت و مدیریت بر عوامل تهدیدکننده هویت فرهنگی است. و با فرض واقع‌گرایانه نسبت به ثابت بودن هویت، چنانچه پایه‌های امنیت فرهنگی با بی‌ثباتی و تزلزل مواجه شود و مؤلفه‌های فرهنگی در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرند (عبداله خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹-۱۸۴). از سویی دیگر امنیت فرهنگی موضوعی بین ثبات فرهنگی و تغییر فرهنگی است و باید به گونه‌ای سیاست‌گذاری شود که اصالت هویتی تغییر نکند و همچنین در ظواهر فرهنگی و بخش‌هایی که می‌تواند با تغییر مواجه شود آنقدر مقاومت نکنیم که اثبات بشکند. در حوزه‌های مفهومی، مؤلفه‌های اصلی و سطح عملکرد امنیت فرهنگی، تغییرات فرهنگی حاصل از فرهنگ‌پذیری

یا تماس جوامع با فرهنگ‌های گوناگون، نتایجی را به دنبال دارد که همگون‌سازی فرهنگی و امتزاج یا همجوشی فرهنگی، از آن جمله است (آشنا، ۱۳۹۰). با این رویکرد می‌توان امنیت فرهنگی را شرایطی دانست که طی آن یک ملت بتواند ضمن حفظ هویت فرهنگی خویش و بدون برخورد با موانع بشری، مسیر تکاملی خود را بپیماید. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ص ۸۴-۸۳).

تمدن نوین ایرانی اسلامی

واژه تمدن (سیویلیزاسیون) واژه‌ای نسبتاً جدید است. و در دهه‌های گذشته معانی و تعبیر مختلف و عام‌تری یافته است. و اصطلاحاً «تمدن» به مجموعه دستاوردهایی اطلاق می‌شود که زمینه‌های علمی و هنری بشر نظیر معماری، نقاشی، ادبیات، مجسمه‌سازی، موسیقی، فلسفه و علوم را در بر می‌گیرد، و به موفقیت‌هایی اطلاق می‌شود که در ایجاد و تداوم کنترل خویش بر محیط زیست طبیعی و انسانی کسب می‌کند ... و هرچه گستره‌ای که در آن، قومی کارهای علمی و هنری خود را تولید و عرضه می‌کند وسیع‌تر باشد، تامین جانی و اجتماعی اعضای جامعه بیشتر باشد، آن قوم «متمدن‌تر» است، و هرچه قومی این جنبه‌های تمدن را - چه از نظر کمی و چه به لحاظ کیفی - کمتر تحقق بخشد، «کمتر متمدن» است. این واقعیت را هم باید قبول کرد که فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، هیچ‌یک «ایستا» نیستند، بلکه بالعکس دائماً در تحول و تبدل اند (شپردی، ۱۳۷۰، ص ۲۴-۲۱) اندیشمندان برای تمدن دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قائل هستند. نظام فرهنگی و فکری و ایده‌پردازی در بخش نرم‌افزاری هر تمدنی جای می‌گیرد و جزیی مهم از محرک‌ها و شتابنده‌های پیشرفت و توسعه تمدنی آن محسوب می‌گردد، که متناسب با هر جامعه‌ای متفاوت است.

برای فهم درست از موقعیت فرهنگی و تمدنی و برداشت صحیح از مقوله «تمدن نوین اسلامی ایرانی» مرور گذشته تاریخی آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. ایران در طول تاریخ مهد اقوام، ادیان و مذاهب بوده است و تاریخ تمدنی و میراث فرهنگی ایرانیان، همواره نقش بارزی در قرابت تمدن ایرانی با تمدن‌های هم‌جوار همچون؛ بین‌النهرین، هند و چین، و در تمدن جهانی و میراث فرهنگی جهانی داشته‌اند. و دین اسلامی هم برانداخته‌ها و توانایی‌های تمدنی و گستره اشتراکات فرهنگی ایرانیان افزوده است. و علی‌رغم حمله اعراب و مغول‌ها، و حکومت شاهان بی‌کفایت، ظرفیت درونی ایرانیان مانع از نابودی کامل و به انحطاط کشیده شدن فرهنگ و تمدن ایرانی تاکنون شده است ایرانیان در حمله اعراب با پذیرفتن دین اسلام، تعالیم آنرا برای مانایی خود بکار گرفتند و فرهنگ جاهلیت عربی را طرد کردند و یا مغولان را در جامعه ایرانی مستحیل نمودند.

موقعیت مناسب اقلیمی و زیستی سرزمین ایران همواره شاهد تحولات اجتماعی فرهنگی بسیاری بوده و از عوامل فراز و نشیب تاریخ تمدن ایرانیان محسوب می شود. یکی از این مقاطع تاریخی تعیین کننده ورود فرزندان محمد رسول الله بعنوان «سادات علوی شیعه» به ایران است. این مهاجرتها، که بیشتر از قرن دوم به بعد بوده است. با آمدن علی بن موسی رضا(ع) به این سرزمین، افزایش بیشتری پیدا کرد. (کریمان، ج ۱، ص ۱۷۱ و ۱۷۲) و در واقع تمدن اسلامی با رویکرد شیعه دوازده امامی عملاً آغاز شد. مهاجرتی اجباری که خلیفه وقت مامون، با هدف تحکیم پایه های حکومتش و جلب نظر شیعیان، ترتیب داده بود. فرصتی طلایی برای گسترش حوزه سرزمینی و نفوذ مذهب تشیع محسوب می گشت. بطوریکه با هجرت آگاهانه امام رضا(ع)، شیعه دارای کانون جغرافیایی و سرزمین گردید و موجبات استمرار تاریخی تشیع را فراهم آمد. و یکی از ارکان سه گانه؛ «حاکمیت»، «جمعیت» و «سرزمین» لازم برای دولت سازی یعنی «سرزمین» جنبه عینی پیدا کرد. اهمیت داشتن سرزمین مشخص بدان جهت است که اگر چنانچه امتی در یک نقطه تمرکز جغرافیایی نداشته باشد، بسیاری از امکانات اجتماعی را از دست می دهد؛ و همواره با تهدید نابودی و بقاء مواجه است، این هجرت غالب جمعیت شیعیان را در ایران متمرکز کرد. و در ادامه کم کم با فروپاشی عباسیان، دولت شیعی با زمامداری صفویه آغاز شد، و با تلاش های علمای شیعه، حرکت نرم افزاری در توسعه علم و هنر و مظاهر سخت افزاری تمدنی در آبادانی و ساخت ابنیه هایی همچون پل سی وسه پل، میدان نقش جهان و... نمود عینی یافت. بنابراین، شیعه به نقطه ای رسید که از فرهنگ مدون، کانون جغرافیایی مقتدر و روحانیت متمرکز برخوردار شد. و حرکتی اجتماعی برای بنیان گذاری دولت دینی و حاکمیت شکل گرفت. که از هدایتها و مدیریت تاریخی اهل بیت (ع) جان می گیرد. (میرباقری، ۱۳۹۰)

۱. فرهنگ و امنیت در جمهوری اسلامی

با انقلاب اسلامی، درآمیختگی فرهنگ و امنیت و نقش تعیین کننده آن در عرصه های فرهنگی اجتماعی، رویکردهای نوینی را پیش روی مباحث امنیتی و فرهنگی کشورها گشوده است. در همان سالهای پس از انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی سابق بعنوان بلوک شرق، امنیت فرهنگی برجسته ترین چهره و درونی ترین لایه آن به شمار می آید. شرایط اطمینان بخش برای تداوم هویت فرهنگی و حفظ روندهای سیاسی اجتماعی در محیط زندگی فردی و اجتماعی همان نیازی بود، که

کمونیسم در شرق و کاپیتالیسم در غرب از برآوردن آن عاجز و ناتوان شدند و فضا برای ظهور اندیشه‌های انقلابی و اسلامی مهیا گردید. و تحول در مفهوم شناسی امنیت پس از انقلاب اسلامی، تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان در اواخر دهه ۷۰ میلادی را ناچارکرد در نظریات خود بازنگری کنند. (تاجیک، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲)

با توجه بر ابعاد غیرمادی و نقش هویت برای درک صحیح از تهدید و امنیت، همچنین امنیت فیزیکی و عدم کارآمدی آن، تعریف امنیت و مرجع آن در جمهوری اسلامی ایران با مهم‌ترین نقطه مرکزی هویت و جهان بینی اسلامی تلاقی پیدا کرد. و هویت اسلامی و بازگشت به خویشتن بعنوان مرجع اصلی امنیت فرهنگی در آرا و نظرات نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی مطرح شد. (صحیفه امام، ج ۱: ۳۰۷) در واقع انقلاب اسلامی با زیربنای فکری و عقیدتی خود هویت جدیدی را در مقابل دیگران به نمایش گذاشت (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۰ و ج ۱۳، ص ۲۵۱)، و به دلیل ویژگی‌های معنویت-گرایی و عدالت‌گرایی خود روابط سلطه‌آمیز و ناعادلانه موجود کشورهای قدرتمند و استعمارگر را بر کشورهای ضعیف مورد نقد و نفی قرار داد، و نگرش دنیا‌محورانه و مادی‌گرایانه حاکم بر نظام بین-الملل را به مبارزه طلبید و عناصر جدید غیرمادی را به عنوان چارچوب جدید نظام بین الملل مطرح نمود. (ملکوئیان، ۱۳۸۸، ص ۲۰)

انقلاب اسلامی در تأثیری غیرمستقیم بر مطالعات امنیتی، به پر رنگ و با اهمیت شدن نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی که بر نقش انگاره‌ها باورها و هویت اجتماعی در تحلیل درحوزه امنیت کمک کرده است. و از طرفی با توسعه حمل و نقل و ارتباطات تغییر نگرش جدی در کارآمدی امنیت عینی و فیزیکی بوجود آمده است بطوریکه امروزه هرگونه عملیات فیزیکی نیازمند اقدامات فرهنگی برای اقناع اذهان است و با مفاهیم فرهنگی و هویت جامعه طوری بهم گره خورده‌اند که امری پذیرفته شده تلقی می‌گردند. مطالعه آثار و نتایج تحقیقات اندیشمندان دیگر ملل هم موید تاثیرگذاری جدی انقلاب اسلامی بر مفاهیم عمده سیاسی اجتماعی در عصر حاضر است، بطورمثال روزه گارودی^۱ فرانسوی، انقلاب اسلامی ایران را به عنوان انقلابی معرفی می‌کند که با محوریت خدا و حق باعث به وجود آمدن مفاهیم نو در عرصه سیاست جهانی و معرفی تمدنی جدید به جهان شده است. و یا اولیور روی^۲ فیلسوف و شرق شناس، انقلاب ایران را نقطه عطفی برای تبدیل شدن ایران به مرکز

۱. Roger Garaudy

۲. Oliver Roy

جهان تشیع می‌داند که تا قبل از آن خارج از ایران بود. و کریستیان برومبِرژه^۱ معتقد است وقوع انقلاب اسلامی ایران بر هم زننده نظم جهانی، حرکتی بر ضد جریان غرب‌گرا بود که معادلات منطقه را به کلی برهم زد و گفتمانی جدید را در حساس‌ترین منطقه جهان بنا نهاد. (برومبِرژه، ۱۳۸۴، ص ۵۴)

۲. امنیت فرهنگی در قانون اساسی و اسناد بالادستی

آرمانها، اصول و ارزشهای جمهوری اسلامی، تاثیر بسیاری در تعریف و تبیین مفهوم و ارکان امنیت؛ اهداف امنیت، مرجع امنیت، ابزارهای تامین کننده امنیت و تهدید امنیتی داشته است. بر اساس قانون اساسی، جمهوری اسلامی نظامی؛ توحیدمحور و مبتنی بر مبانی معرفتی مکتب اسلام میباشد. و مکتب در این تلقی، نوعی صورت‌بندی بینشی است که پشتوانه نظری و ایدئولوژیک تاسیس حکومت را تامین و شیوه توزیع قدرت، ثروت و حیثیت را در جامعه تعیین و توجیه می‌کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی، بویژه در مقدمه آن و در شرح «شیوه حکومت در اسلام از اسلام به عنوان مکتب یاد شده است. و مکتب اسلام در ساختار این حکومت جایگاه ویژه‌ای دارد. در بازخوانی اندیشه رهبران جمهوری اسلامی؛ امام خمینی(ره)، مقام معظم‌رهبری و اسناد بالادستی؛ قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی، نظریه امنیتی این نظام حکومتی مشتمل بر گزاره‌های مهمی در سطوح مختلف با بنیان‌های هویتی و فرهنگی ذیل قابل ارائه می‌باشد: (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷، ص ۲۷۹-۲۷۲)

مهم‌ترین ارزشها و آرمان‌های بنیادین جمهوری اسلامی، که حفظ، ارتقاء و دسترسی به آنها قطعی و ضروری است. عبارتند از: اسلامی (شیعی) بودن نظام، حضور موثر ولایت فقیه، اتکاء به آرای عمومی، حفظ استقلال، حفظ تمامیت ارضی، حفظ وحدت و همبستگی ملی، تلاش برای جریان عدالت، مبارزه با ظلم و حمایت از مظلوم، حفظ محیط زیست. و مهم‌ترین آرمان‌های اساسی در نظریه عبارتند از: تشکیل امت واحد جهانی، برقراری عدالت کامل در داخل و خارج، رشد و توسعه کامل و همه جانبه، نابودی ظلم و ستم در جهان. مجموعه ارزش‌ها و آرمان‌های فوق هويت جمهوری اسلامی ایران را هویتی اسلامی، مردمی، انقلابی، انسانی، ملی و در عین حال جهانی می‌سازد. بنابراین مفهوم امنیت در نظریه جمهوری اسلامی به شدت با مفهوم اسلامی و توحیدی بودن نظام آمیخته شده

است. اسلام در مبانی تفکر جمهوری اسلامی ایران یک مکتب و ایدئولوژی، یعنی یک امر فرانهادی و فراگفتمانی، جهان شمول، محرک تکامل و سبک زندگی اجتماعی است. و همچنین مفهومی عقیدتی- فرهنگی، بسط محور، پایدار و جامع الابعاد می‌باشد..

از سویی دیگر مرجع امنیت هم در جمهوری اسلامی ایران، امری چند وجهی است. و ترکیب اسلام، نظام اسلامی، و مردم، چیزی است که باید از تهدید مصون بماند. و تهدید مرجع امنیت، تهدید امنیتی تلقی می‌گردد... و بدلیل ویژگی‌های خاص مفهوم و مرجع امنیت در جمهوری اسلامی ایران تهدیدات فرهنگی و سیاسی از اهمیت بالاتری برخوردار می‌باشند. امنیت در نظریه جمهوری اسلامی ایران یکی از اهداف واسط می‌باشد، و خود وسیله‌ای بر اهداف دیگر می‌باشد. و تحقق عبودیت نتیجه نهایی امنیت است اما اهداف دیگری چون برقراری عدالت، توسعه و... نیز با مقدمه امنیت امکان‌پذیر می‌گردند. بعبارتی دیگر مساله امنیتی، مساله‌ای است که با مرجع امنیت و تهدید امنیتی ارتباط دارد. باتوجه به مبانی نظریه جمهوری اسلامی، مسائل امنیتی تنها به تهدیدات (سلبی) محدود نمی‌شود بلکه حوزه مسائل ایجابی و توسعه و پیشرفت در جمهوری اسلامی نیز می‌توانند مساله امنیتی تولید کنند(گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲). با این احوال در نظریه امنیتی جمهوری اسلامی بزرگترین تهدید برای این نظام، تهدیدی است که هویت ایدئولوژیک آن را که بر آمده از دین اسلام است، به خطر می‌اندازد. و چنانچه تهدیدی بتواند خود را به سطح تهدید هویت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی برساند، آن تهدید را می‌توان یک تهدید امنیتی محض دانست.

۳. چالش‌های امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی، تحولات بنیادینی را درحوزه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی در ارزشها، باورهای مردم ایجاد کرده است. اما با تمام مزیت‌هایش بدلیل نو و تازه بودن اندیشه‌های انقلابی، آشفتگی‌هایی را هم در مفاهیم و تعاریف، و در عمل اغتشاش اجرایی را در بسیاری از بخشهایی از جامعه موجب شده و چالش‌هایی را پیش روی جمهوری اسلامی قرار داده است که بسا بی توجهی و مدیریت نشدن آنها ابعاد امنیتی یافته، و حفره‌های امنیتی در حوزه فرهنگی ایجاد نماید. در اینجا به برخی از این چالش‌هایی که ممکن است موانعی برای پیشران‌های فرهنگی جمهوری اسلامی در تمدن‌سازی نوین محسوب شوند و با افزایش عدم قطعیت‌ها سناریوهای بدیل و نامطلوبی در آینده محتمل گردد. اشاره می‌کنیم؛

انقلاب اسلامی و نگاهی نو به انسان

تفاوت انسان شناسی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷) با مکاتب شرقی و غربی، آنرا انقلابی نوین به جامعه بشری معرفی کرد. ویژگی اسلامی بودن انقلاب، توجه صاحبان اندیشه در اقصی نقاط جهان را به خود معطوف کرد. و دیگر مفاهیم زندگی بشر امروز از جمله فرهنگ را به چالش کشید. مفاهیم «فرهنگ» و «انسان» از این جهت که برخاسته از تولیدات فرهنگی و ارزش‌ها و فعالیت‌های انسانی است با یکدیگر مرتبط هستند. و «نظام ارزشی» جامعه را که متأثر از نگاه انسان‌شناسانه و آموزه‌های مکتب است شکل می‌دهند. پس از انقلاب اسلامی هم، سعی بر آن بوده که موضوعات مختلف از جمله امنیت متناسب با تعالیم اسلام بعنوان منشاء تحول نظام ارزشی جامعه ایرانی مورد بحث قرارگیرد. رویکردی که در حفظ و ارتقای امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی نمی‌توان آنرا نادیده گرفت، و خلاصه آن در جدول مقایسه‌ای ذیل با دیگر مکاتب قابل مشاهده می‌باشد.

جدول شماره ۱: بررسی مقایسه‌ای دیدگاه انسان شناسی اسلام و دیگر مکاتبها

مکتب	انسان شناسی	معرفت شناسی	سیاست و امنیت	رویکرد جهانی	استدلال	دیگر ملاحظات
رنالیسم	بدبینانه	قدرت محور	دولت محور مرجع امنیت: دولت ملی و منافع ملی امنیت هدف است	جنگ محور	قدرت طلبی + ترس = جنگ دائمی .	جدایی دین واخلاق از سیاست، اصالت نتیجه ،
ایدئالیسم	خوش بینانه	عقل محور	فرد محور، انسان: مرجع امنیت، با حذف دولتهای ملی امنیت هدف است	صلح محور	تامین اخلاق و آزادی = صلح	تاکید بر وجدان ،زمینه مندی رفتار، قانون گرایی، کمال گرایی، وظیفه گرایی
اسلام	ماهیت ترکیبی انسان: فطرت + غریزه	شرع محور	خدا محور: مرجع امنیت: دین، انسان، امنیت ابزار است .	دعوت محور : صلح و جنگ با تاکید بر اصالت	تقدم فطرت بر «غریزه» صلح دائم. تقدم غریزه بر «فطرت» جنگ دائم.	پیوند اخلاق و سیاست ، تکلیف گرایی ، قرب الهی،

	تبادل هردو صلح و احتمال جنگ.	صلح				
--	------------------------------------	-----	--	--	--	--

منبع: (لک زایی، ۱۳۸۹، ص ۷۶-۸۲)

چالش جمهوری و اسلامی

مردم ایران با شعار «استقلال آزادی جمهوری اسلامی» در بهمن ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند و برای تحقق آرمانهای بنیادین انقلاب، در فروردین ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ نظام جمهوری با صفت اسلامی را انتخاب کردند. براساس شعارها و عنوان برگزیده ملت برای نظام تاسیس، اسلامی بودن علاوه بر جمهوری، از ویژگی های مهم آنست به نظر رهبران انقلاب اسلامی، برای اینکه درک صحیحی از جهان بینی و ایدئولوژی این انقلاب بدست آید لازم است به ریشه های فکری و عقیدتی انقلاب یعنی دین اسلام مراجعه نماییم. اما به باور برخی دیگر مفاهیم بسیاری همانند مفهوم «جمهوری» در زندگی بشر امروزی جدید است و نمی توان در اسلام مطلبی مناسب برای جامعه امروزی یافت؛ پیشران های نظری در دنیای امروز، براساس نیاز کشورهای غربی و جوامع توسعه یافته مطرح شده است و جوامع اسلامی بدلیل طی نکردن فرآیند توسعه فاقد آن بوده است و بر جوانب مختلف آنها منطبق نیست. به عبارت دیگر توافق و وحدت نظری میان افراد یک جامعه در انتخاب یک حاکم با ویژگیهای مشخصی، و اینکه چه کسی باید حکومت کند؟ ما را از پاسخگویی به سوال های متعدد درباره چگونه باید حکومت کردن؟ بی نیاز نمی کند (محرمی، ۱۳۹۴، ص ۲۰) و همچنان محتاج مدیریت چالش های سیستم و ساختاری مطلوب برای حکومت کردن که کارایی و سلامت نیز داشته باشد هستیم. بطور مثال برای تبیین و توضیح مفهوم «امنیت» در اسلام باید در وهله اول به این مسئله توجه نماییم که مفهوم امنیت در نزد هرکس، هر مکتب، هر ملت و هر قوم و گروهی برآیند فهم آنها از عناصر ذیل است: (لک زایی، ۱۳۸۵)

شکل ۱:



چالش هویت چند لایه ایرانی

بسیاری پیدایش مفهوم هویت در ایران را از دوران مشروطیت و پس از آن میدانند. اما برخی ریشه کیستی ایرانی و هویت «ما» را در تمدن و اعصار باستان ایران زمین جست و جو می‌کنند و گروهی دیگر با تاکید برگسترده‌گی، آمیختگی و نفوذ بسیار تمدن اسلامی در فرهنگ ایرانی، اصالت را به فرهنگ دینی داده و عناصر تاریخی و سرزمینی را فرع می‌دانند و جمعی نیز با نگاه به خارج و احساس عقب ماندگی و نوعی حقارت، توسعه و پیشرفت غربی را ملاک قرارداده و آن را برتر می‌دانند. این گروه تعریف جایگاه هویت ما را در فرهنگ و تمدن غربی که امروزه برکل تمدن بشری سایه انداخته معتبر و ضروری می‌شمرند. در ایران هم پاسخ مثبتی بود به هویت اسلامی جامعه ایران که در جریان بحران هویت در دوران پهلوی بر دیگر وجوه هویتی ما چیره شد. بطوریکه در دهه پنجاه و سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چالش میان هویت‌طلبی در سه محور ایرانی غربی و اسلامی بودن به اوج خود رسید و اوضاع به نفع هویت فرهنگی غالب جامعه یعنی هویت اسلامی در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ دگرگون شد، و ایرانیت ما تا حدی منزوی گردید. (محرمی، ۱۳۸۳، ص ۶۵-۹۵) اما با نیازی که برای ارتباط با جهان خارج و دنیای مدرن احساس می‌شد هویت غربی دوباره جایگاه از دست رفته خود را بازیافت و حوزه نفوذش روز به روز توسعه پیدا کرد. امروزه علی رغم فراز و

نشیب زیادی که هویت ایرانی اسلامی پشت سر گذاشته است، با توسعه سریع ارتباطات، حفظ و تقویت هویت برای امنیت فرهنگی و تحقق تمدن نوین اسلامی ایرانی همواره چالشی مستمر خواهد بود.

چالش قومی - فرقه ایی

تاریخ ایران تصویری بزرگ از تنوع اقوام و همزیستی ادیان و مذاهب در سایه صلح و امنیت است که هیچگاه از اذهان جهانیان پاک نشده است. بطوریکه قدرتهای رقیب در برهه های مختلف تاریخی تلاشهای بسیاری از جمله تهاجم خارجی و یا ایجاد تعارضات^۱ و اختلافات داخلی را برای بی ثباتی کردن و نابودی عظمت آن صورت داده اند. و جمهوری اسلامی هم بعنوان نظام حاکم در ایران که تمامی سعی خود را معطوف به حفظ، حراست و اعتلای هویت اسلامی ایرانی کرده است با تهدیدات متعدد داخلی و خارجی مواجه بوده است. در دهه های اخیر تحریک افراطی های منطقه علیه حکومت ایران به بهانه ایدئولوژی شیعه و یا گستردگی و جلوگیری از همگرایی شیعیان در منطقه منازعات و درگیری در بین کشورهای منطقه را موجب شده است گردها هم که از اوائل انقلاب اسلامی به تحریک خارجی داعیه جدایی طلبی داشته اند از مهمترین عوامل هویتی تهدیدکننده برای ایران در منطقه محسوب می گردد. (کشاورزشکری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰) بنابراین تعارضات درونی و یا شکاف های بین اقوام و مذاهب متعدد ایرانی که چه بسا به تحریک خارجی به نامی های محدود و یا گسترده ایی منجر شود. می بایست بعنوان چالشی بالقوه در امنیت فرهنگی مدیریت کرد.

توسعه ارتباطات، چالشی برای امنیت فرهنگی

اساسا توسعه کمی و کیفی ارتباطات و گسترده شدن آن از امتیازاتی است که انسان قرن بیست و یکمی از آن بهره مند است و نشانه های پیشرفت و ارتقای کیفیت زندگی بشر امروزی محسوب می گردد. این پیشرفت چنان در شوون مختلف زندگی بشر تاثیر گذاشته است، که عمر علوم در بسیاری

۱. مقصود از تعارض مذهبی؛ وضعیتی است که در آن تنش و خصومت نیروها براساس باورها و گرایش های مذهبی شکل گرفته و روند خصومت و ستیز اجتماعی را دنبال می کند. زمانی که عده ای تلاش می کنند ارزش های خود را بر دیگران به علت تفاوت های جدی در باورها و ارزش ها تحمیل کنند، این امر موجب تعارض مذهبی می گردد که این تعارض با شرایط اجتماعی و جریان های داخلی تاثیرگذار بر تعارض های اجتماعی با اهداف متفاوت تشدید می شود. (کشاورزشکری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲)

موارد بشدت کاهش یافته و تا بخواهی با بهره گیری از علم موجود به توصیف و تحلیل امور پردازشی داشت به منقضی شده و به گذشته پیوسته است. یکی از تبعات این وضعیت این است که دیگر با ایستا و لایتغیر فرض کردن علوم- هرچند کوتاه - نمی توان به تبیین مسائل دنیای امروز و درک مفاهیم پرداخت مفهوم امنیت در ابعاد مختلف هم از این تحولات مستثنی نیست. در مسیر این تحولات، ایده‌ها، فکرها و روش‌های جدید لازم است تا نظمی به نظمی دیگر و جدید متحول شود. این تحلیل ریشه در ذات خلقت دارد. هیچ لحظه‌ای ساکن نیست بلکه به لحظه‌ای دیگر حرکت می‌کند. در کمال‌جویی و معنویت هم، بدون تحول در مراتب، اتفاقی نخواهد افتاد (سریع‌القلم، ۱۸مهر ۱۳۹۴). ارتباطات تعاملی نوین یکی از این فضاهاى جدیدی است که، یکپارچگی فرهنگی بعنوان عاملی امنیت‌ساز برای دولت‌ها، دچار چالش خواهد گردید؛ تاریخ مباحث امنیتی بیانگر این است که دولت‌هایی که قادر به تثبیت یکپارچگی فرهنگی نشده‌اند به مرور دچار تزلزل و فروپاشی گردیده‌اند. (ربیعى، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷). خلایبی که در توسعه و گسترش ارتباطات و شبکه‌های ارتباطی نوین در کشور به اندازه کافی جدی گرفته نمی شود و چه بسا امنیت فرهنگی ما را به مخاطره بیندازد و با بوجود آوردن اشتغالات بی فایده، رشد و توسعه همه جانبه کشور را برای تحقق تمدنی نوین با تهدیدات مواجه نماید.

چالش کارآمدی حکومت دینی

غایت انسان و جامعه در دین اسلام، رسیدن به سکینه و آرامش، تعالی و حیات طیبه است، و این هدف با آنچه در غرب و شرق در حد رفاه و آسایش مادی انسان بیان می‌شود بسیار متفاوت است. آینده‌ای که به شرط کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی حاصل می‌شود. امروزه یکی از تهدیدات جدی برای امنیت ذهنی جامعه ما، ناکارآمد جلوه نمودن نظام جمهوری اسلامی است. فارغ از اینکه ناکارآمدی به دلایل درونی و یا تضحیقات بیرونی ایجاد شده باشد، به ذات دین مربوط است و یا به کیفیت دینداری و عملکرد غیردینی ما، به هر حال معیاری برای سنجش فعالیت‌ها در کلیه سطوح اعم از فردی، گروهی، محلی، منطقه‌ای، ملی و فراملی مبدل گشته است (نوبخت و بختیاری، ۱۳۸۷) و می‌توان مهم‌ترین عامل کمک به مقبولیت و امنیت دولت‌ها را در آن دانست. با یک جستجوی سطحی در اینترنت هم نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی ایران به علل مختلف علمی فرهنگی، و سیاسی اجتماعی، حساسیت پژوهشگران و اندیشمندان معاصر را نیز برانگیخته است به طوری که گاهی لزوم دریافت و پی بردن به کارایی دین در (حکومت داری) و روابط بین‌الملل با وقوع انقلاب اسلامی ایران

پیوند خورده است (رب: دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، ص ۳).

چالش افراطی‌گری مذهبی در منطقه

در سالهای اخیر سلفی‌گری افراطی (صالحی، ۱۳۹۳ و احمدپاکتچی، ۱۳۹۴)، بدلیل آشفتگی منطقه - ایی و مداخلات بازیگران ذینفع در منطقه خاورمیانه فضای گسترده‌تری را برای تاثیرگذاری یافته است. به نظر برخی از صاحب نظران این وضعیت در خاورمیانه؛ وضعیتی بسیار پیچیده است و نمی‌توان صورت‌بندی‌های ساده مذهبی و قومی موجود در خاورمیانه را مبنای وجود وابستگی متقابل امنیتی میان دولت‌های این منطقه فرض نمود. در ادامه به تبیین هسته‌های اصلی منازعه در منطقه و نیز دو هسته اصلی منازعه اعراب در برابر دیگری‌ها (ایرانیان و یهودیان) و همچنین میراث عثمانی یعنی منازعه اعراب و ترک‌ها می‌پردازد. سپس عامل مذهب را اضافه می‌کند و اسرائیل را نماینده مذهبی متفاوت از مذاهب منطقه و ایران را نماینده شیعیان می‌داند. او به منازعه‌ها و تنش‌های درون کشورهای عربی پرداخته و ساختار ناسیونالیسم عربی را بیشتر از اینکه موجب هماهنگی و همکاری اعراب شود موجب افزایش رقابت می‌داند که منجر به تلاشهای عربی بر سر رهبری جهان عرب می‌گردد. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸، ص ۵۷) او نظریه استمرار منازعه سازی در خاورمیانه را بدلیل پیچیده بودن منازعه‌های سنتی و گاه مدرن خاورمیانه است ارائه می‌کند. در این میان اندیشه سلفی و هابیت به عنوان یک ایدئولوژی افراطی (تحت حمایت عربستان سعودی)، منبع عمده گسترش تروریسم و انحرافات مذهبی بوده است. (هرسیح و تویسرکانی، ۱۳۹۲، ص ۸۵ - ۸۰)

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد با تعریف چابستی امنیت فرهنگی، چالش‌های آن را در جمهوری اسلامی در ارتباط با تحقق تمدن نوین اسلامی ایرانی بیان نمایم. براساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده؛ گفته شد که انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) روند تاریخی تمدنی اسلامی ایرانی را که بدلیل حاکمان بی‌کفایت قاجار و پهلوی مختل شده بود دوباره احیاء کرد، و بهره‌مندی از تمامی توانمندی‌ها، برای ارتقا و تعالی جامعه‌ای درحال خیزش ایران به سمت توسعه و پیشرفت در ابعاد و حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌های فرهنگی، علمی و فناوری، در دستورکار قرار گرفت. اما برغم تلاشهای فراوان صورت گرفته برای امنیت و رشد و شکوفایی جامعه ایرانی و امت اسلامی، فهم واقعی از آینده فرهنگی وقتی محقق می‌شود که چالش‌های پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های حوزه فرهنگی جمهوری

مدیریت چالش‌ها و ارتقای امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

تاکنون نیز در منطقه خاورمیانه سلفی‌گری افراطی در بین اهل تسنن و برخی از فرقه‌های شیعه توانسته است امنیت ملی و بویژه امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی را به چالش بکشد. و با مخدوش نمودن چهره اسلام واقعی، دولت اسلامی را ضد انسانی و مغایر با پیشرفت و تعالی بشریت نشان بدهد. و عملاً با درگیر مسائل امنیتی خود ساخته‌ای همچون؛ داعش، سلفی‌گری، تهدید هسته‌ای و...جهانیان را از تحقق تمدن نوین اسلامی ایرانی به هراس بیاندازد. اما مقابله جدی جمهوری اسلامی با افراطی‌گری و تروریسم در منطقه توانست پیامدها و تبعات آن را از بین ببرد. در واقع این عناصر تمدنی ایرانی اسلامی است که با هدف استمرار ناامنی، مورد هجوم دولتهای استعماری فرامنطقه‌ای و متحجر در منطقه قرار گرفته و جامعه اسلامی ایران را همچنان با چالشهای زیادی روبرو نموده است. و در صورتی که جمهوری اسلامی در مبارزه با سلفی‌گری افراطی ناتوان می‌بود و موفق نمی‌شد دولتهای افراطی، حامی خشونت و تروریسم همچون عربستان سعودی بر نظامات سیاسی فرهنگی منطقه و چه بسا جهان اسلام مسلط می‌شدند. و تحقق تمدن نوین اسلامی دوباره برای سالهایتمادی به محاق می‌رفت. بنابراین به نظر برای جلوگیری از تهدیداتی که متوجه امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی است و تحقق تمدن نوین اسلامی ایرانی اسلامی در آینده لطمه وارد میکنند، به پیشران‌های فرهنگی همچون؛ همگرایی فرهنگی و انسجام مفهومی، تبیین ابعاد کمی و کیفیت زندگی انسان در انقلاب اسلامی، تقویت هویت ملی، ارتقای اعتمادعمومی، شناسایی و مدیریت مسائل منطقه‌ای و محلی همسایگی و اقوام، مخاطبان شناسی ملی و فراملی، انعطاف و شناسایی نیازهای نسل جدید، توجه جدی داشته باشیم. و با در نظر گرفتن وجوه مشترک خودمان و دیگران به پارادیم واحدی دست یابیم که به مثابه درختی تناور در مقابل توفانهای تمدنها و اندیشه‌ها و فرهنگهای مختلف مقاومت و پایداری نشان دهد و بالطبع امنیت فرهنگ را نیز حفظ کرده‌ایم. در جمع بندی می‌توان مدل ذیل را که نشانگر ضرورت امنیت فرهنگی بعنوان بستری پایدار برای تحقق و استمرار

تمدن نوین ایرانی اسلامی است برای مدیریت چالش های آن ترسیم کرد:

منابع

- ۱- احمد پاکتیچی، مهدی، (۱۳۹۴)، سخنرانی نسبت میان وهابیت و جریان سلفی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- ۲- احمدی، حمید، (۱۳۸۳)، مندرج در هویت در ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- ۳- افتخاری علی اصغر، (۱۳۸۵)، کالبد شکافی تهدید، تهران، انتشارات مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع).
- ۴- باری بوزان و اولی ویور، (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت ها، ترجمه رحمان قهرمان پور - تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵- برومبوزه، کریستیان، (۱۳۸۴)، اسلام و انقلاب در ایران، در اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه محمد باقر خرمشاد، تهران، انتشارات باز.
- ۶- تاجیک، محمد رضا، (۱۳۷۷)، «قدرت و امنیت در عصر پسا مدرنیسم»، فصلنامه گفتمان، شماره بهار.
- ۷- تراسبی، د، (۱۳۸۹)، «اقتصاد و فرهنگ»، کاظم فرهادی، تهران، نشر نی
- ۸- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۲)، جهانی شدن فرهنگ و امنیت فرهنگی جمهوری

اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

۹- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران،

سمت، چاپ سوم.

۱۰- ربیعی، علی، (۱۳۸۳)، مطالعات امنیت ملی (مقدمه ای بر نظریه های امنیت ملی در جهان

سوم)، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، پاییز .

۱۱- سریع القلم، محمود (۱۸ مهر ۱۳۹۴)، درباره مفهوم امنیت ملی در عصر جدید، چالش

بزرگ سیاست خارجی ایران، تهران، سایت اینترنتی عصر ایران

۱۲- سند چشم انداز، ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی ایران.

۱۳- شپرد بی، کلاو، (۱۳۷۰)، ظهور و سقوط تمدن، ترجمه؛ طلوع، محمود، تهران، انتشارات

بدر، چاپ اول.

۱۴- شیخاوندی، د، (۱۳۷۹)، تکوین و تنفیذ هویت ایرانی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران

، انتشارات باز .

۱۵- صالحی، (۲۳ مرداد، ۱۳۹۳) مصاحبه، سلفی کیست و سلفی گری چیست؟،

<http://www.mouood.org>

۱۶- صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۱، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۳، <http://www.tebyan.net>

۱۷- صفرپناهی، محمد حسین، (۱۳۸۵)، «اثر انقلاب اسلامی ایران در نظریه های تبیینی وقوع

انتقالات»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال هشتم، شماره بیست و یکم.

۱۸- عبدالله خانی، ع (۱۳۸۳)، نظریه های امنیت مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی

(۱)، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

۱۹- عبدالله خانی، ع (۱۳۸۹)، نظریه های امنیت، تهران، انتشارات ابرار معاصر

۲۰- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲۱- کامکار و عمید زنجانی، مهدی، (۱۳۸۶)، درآمدی بر امنیت ملی در قانون اساسی، ج. ۱.ا،

ماهنامه نگرش راهبردی، ش ۸۳ و ۸۴.

۲۲- کریمان، قصران، زینة المجالس، ج ۱، انتشارات انجمن آثار ملی.

۲۳- کشاورزشکری، عباس، (۱۳۹۲)، فرصتها و چالش های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در

منطقه خاورمیانه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

۲۴- گروه مطالعاتی امنیت، (۱۳۸۷)، نظریه امنیت در جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات

دانشگاه عالی دفاع ملی

۲۵- لک زایی، نجف، (۱۳۸۹)، فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه مطالعات

راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۴۹ زمستان.

۲۶- لک زایی، نجف، (۱۳۸۵)، اصول رهیافت امنیتی پیامبر صلی الله علیه وآله در قرآن کریم

(۱) فصلنامه علوم سیاسی، قم، ش ۳۵.

- ۲۷- ماندل، رابرت، (۱۳۷۹)، *چهره متغیر/امنیت ملی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۸- محرمی، توحید، (۱۳۸۳)، *مندرج در هویت در ایران*، تهران، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- ۲۹- محرمی، توحید، (۱۳۹۴)، *نظارت بر قدرت سیاسی در اسلام*، تهران، انتشارات تقریر.
- ۳۰- مصفا، نسرین، (۱۳۸۳)، *مندرج در هویت در ایران*، تهران، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- ۳۱- ملکوتیان و دیگران، (۱۳۸۸)، «*تحلیل سازه انگارانه تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر آمریکای لاتین*»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، زمستان، شماره چهارم.
- ۳۲- میرباقری، محسن، (۱۳۹۱)، *هجرت تاریخی امام رضا(ع) و تغییر جغرافیای تشیع*، <http://shafaqna.com/persian/services/islam-world/item/۲۳۰۹۴>
- ۳۳- نوبخت و بختیاری، محمد باقر و حمید، (۱۳۸۷) *روش های ارتقاء بهره وری منابع انسانی در چشم انداز بیست ساله*، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی - دفتر گسترش تولید
- ۳۴- هرسیچ و تویسرکانی، ح، م، (۱۳۹۲)، *چالش های وهابیت-ایران، جهان اسلام و غرب*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات
- ۳۵- Amer, Muhammad, Daim, Tugrul U., Jetter, Antonie (۲۰۱۳) A review of scenario planning, Futures, ۴۶, ۲۳-۴۰

۳۶-Forrest, S. (۲۰۰۴). Indigenous Identity as a Strategy for Cultural Security. –

Conference Paper in Northern Research Forum Plenary on Security.

۳۶- Haasnoot, M., Middelkoop, H. (۲۰۱۲) A history of futures: A review of scenario use in water policy studies in the Netherlands, environmental science & policy, ۱۹-۲۰, ۱۰۸-۱۲۰